

پروژه عظیم آبرسانی قذافی*

نوشته پاول پامنتکین
تارنمای جنگ و صلح

<http://www.warandpeace.ru/ru/reports/view/62875/>

مترجم: ا. م. شیری

www.cb1384.wordpress.com

۲۹ مهر ۱۳۹۰

طرح عظیم احداث روخانه- عظیم ترین پروژه بلندپروازانه جماهیری لیبی- شبکه آبرسانی، تأمین آب آشامیدنی مناطق بی آب و بخش صنعتی شمال لیبی با آبهای منابع زیرزمینی در جنوب این کشور بشمار می رود. بر اساس ارزیابی های کارشناسان مستقل، این پروژه عظیم ترین طرح مهندسی تا کنونی در جهان است. علت عدم شهرت پروژه این است که رسانه های غربی عملاً در باره آن سکوت اختیار کردند و برای اجرای آن ۲۵ میلیارد دلار هزینه شد که به جای خود، بزرگترین سرمایه هزینه شده برای سازندگی در تاریخ جهان بود.

قذافی کار روی طرح خود را در سال ۸۰ آغاز کرد و این طرح تا شروع جنگهای کنونی عملاً اجرا شده بود. مخصوصاً تکدید می کنیم که برای اجرای این طرح حتی یک سنت پول خارجی صرف نشد. تحقق این پروژه نشاندهنده این واقعیت را است که سلطه بر منابع یکی از فاکتور مؤثر در تنظیم سیاست جهانی می باشد. آیا جنگ کنونی بر علیه لیبی، اولین جنگ برای سلطه بر آب آشامیدنی نیست؟ جنگ افروزان حتماً می دانند بخاطر چه می جنگند! آب جاری در رودخانه های مصنوعی، از چهار منبع عظیم آب زیرزمینی واقع در مناطق حمدا، کوفرا، مرزوق و سیرت که ذخیره آب آنها ۳۵ هزار کیلومتر مکعب تخمین زده می شود، تأمین می گردد! این میزان آب می تواند تمام خاک کشوری مثل را آلمان به ارتفاع ۱۰۰ متر بپوشاند و بر اساس آخرین مطالعات انجام شده، آب چاههای لیبی تقریباً تا ۵۰۰۰ سال کفایت می کند.

علاوه بر این، این پروژه آبرسانی را بجای خود می توان «هشتمین معجزه جهان» نامید، زیرا، اگر انتقال روزانه ۶ و نیم میلیون متر مکعب آب از کویر را هم به آن اضافه کنیم و در نظر بگیریم که بطور حیرت انگیزی چه صحرای وسیعی را به اراضی زیر کشت جهان می افزایش، صحت این نامگذاری ثابت می شود. طرح احداث رودخانه های مصنوعی به هیچوجه قابل مقایسه با پروژه آبیاری مزارع پنبه آسیای میانه اتحاد شوروی که باعث تخریب آب و هوای اورال گردید، نبود. تفاوت جدی پروژه آبرسانی لیبی در این است که برای آبیاری مزارع کشاورزی از منابع آنها زیرزمینی استفاده می شود نه از آبهای موجود در سطح که گاهی نیز خساراتی ببار می آورند. انتقال آب بواسطه ۴ هزار کیلومتر لوله فولادی تعبیه شده در عمق زمین انجام می گیرد. با پمپاژ آب از چند صد متر از آبهای ۲۷۰ معدن زیرزمینی، در حوضهای آرتیزان ذخیره می شود. یک متر مکعب آب زلال مثل کریستال، با احتساب تمام مخارج استخراج از معادن زیرزمینی و انتقال آن برای دولت لیبی تقریباً ۳۵ سنت هزینه برمی دارد که معادل قیمت یک متر مکعب آب سرد در شهرهای بزرگ روسیه، مثل مسکومی باشد. اگر این را با بهای یک متر مکعب در کشورهای اروپایی (تقریباً ۲ یورو) مقایسه کنیم، در اینصورت ذخیره آبهای زیرزمینی لیبی، طبق برآوردهای تخمینی، تقریباً ۶۰

میلیارد یورو خواهد بود (در ذکر این رقم، مثل اینکه نویسنده محترم، مرتکب اشتباه ریاضی شده است. زیرا، ۳۵ هزار کیلومتر مکعب، با قیمت ۲ یورو برای هر متر مکعب، ۷۰ تریلیون یورو خواهد بود، نه تقریباً ۶۰ میلیارد یورو). تردید نداشته باشید که چنین حجم آب با توجه به افزایش دائمی بهای هر متر مکعب آن، بسیار بیشتر از نفت اهمیت دارد.

تا جنگ در حدود ۱۶۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی با آب رودخانه های مصنوعی آبیاری می شد و در جنوب در مناطق کویری، آبهای زیرزمینی برای تأمین آب شرب حیوانات به نهرها جاری شده بود. و اما مسئله مهم این بود که شهرهای بزرگ کشور، از جمله طرابلس، با آب آشامیدنی تأمین شده بود.

در اینجا تاریخهای مرتبط با اجرای پروژه آبیاری لیبی را ذکر می کنم که در سال ۲۰۰۸، تحت عنوان «طرح عظیم رودخانه های مصنوعی» در **کتاب رکوردهای گینس** ثبت شد:

۳ اکتبر سال ۱۹۸۳ - کنگره خلقی جماهیری لیبی تشکیل گردید و جلسه فوق العاده ای بمنظور تشریح منابع تأمین مالی آغاز عملیات اجرایی پروژه برگزار کرد.

۲۸ اوت سال ۱۹۸۴ - رهبر لیبی سنگ بنای اجرایی طرح را گذاشت.

۲۶ اوت سال ۱۹۸۹ - مرحله دوم ساخت پروژه آبیاری آغاز شد.

۱۱ سپتامبر سال ۱۹۸۹ - سد اجدابیه آگیری شد.

۲۸ سپتامبر سال ۱۹۸۹ - سد عمر مختار آگیری شد.

۴ سپتامبر سال ۱۹۹۱ - سد القردابیه آگیری شد.

۲۸ اوت سال ۱۹۹۶ - تأمین طرابلس با آب دائم آغاز شد.

۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۷ - کار آبرسانی به شهر قاریان پایان یافت.

با در نظر گرفتن اینکه کشورهای همسایه لیبی، از جمله مصر از کمبود منابع آب رنج می برد، این مدعا کاملاً منطقی بنظر می رسد که جماهیری لیبی با اجرای این پروژه آبرسانی، کاملاً قادر به گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه و بر انگیزتن انقلاب سبز، هم بمعنی مجازی و هم بمعنی واقعی کلمه در آنها بود. بویژه اینکه بحساب آبیاری اراضی شمال آفریقا، اکثر مشکلات ناشی از کم آبی در آفریقا سریعاً حل می شد و استقلال اقتصادی منطقه تأمین می گردید. شاید در همین رابطه بود که قذافی مرتباً روستائیان مصر را برای کار در لیبی دعوت می کرد.

اجرای این پروژه یک سیلی واقعی بر صورت همه غرب بود، بخصوص اگر فراموش نکنیم که هم بانک جهانی و هم وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا طرحی را برای شیرین کردن آب دریا به عربستان سعودی پیشنهاد می کنند که هر مترمکعب آن به قیمت ۴ دلار و البته فقط به نفع خود آنها تمام می شود.

نکته بسیار شایسته تعمق این است که اول سپتامبر سال گذشته، سرهنگ قذافی ضمن سخنرانی خود در مراسم سالگرد آغاز اجرای این پروژه گفت: «با اجرای این طرح، تهدیدهای آمریکا برعلیه لیبی دوچندان خواهد شد». علاوه بر این، قذافی چند سال قبل نیز اعلام کرد که پروژه آبیاری لیبی، جدی ترین پاسخ به آمریکا ست که لیبی را همواره به حمایت از تروریسم متهم کرده و حیات کشور ما را وابسته به دلارهای نفتی می داند. پشتیبانی صریح حسنی مبارک، رئیس جمهور سابق مصر از این پروژه نیز که احتمالاً یک اتفاق ساده نبود، بسیار حیرت انگیز است.

***- پانویشت مترجم:**

درست دقایقی که مشغول نوشتن برگردان آخرین جملات مقاله فوق بودم، انتشار خبر ترور معمر قذافی از تلویزیون یورونیوز افکارم را آشفته کرد. بگفته این کانال امپریالیستی، بمب افکنهای سازمان تروریستی ناتو وی را هدف قرار دادند. طبیعی بود نمی توانستم از کنار مسئله ترور قذافی مثل کشتن هر

انسان دیگر بی تفاوت بگذرم. چرا که قتل انسان، صرفنظر از کیستی او، به هر شیوه و روشی، خواه در زندان، در زیر شکنجه و یا اعدام، خواه در زیر بمباران یا به شکل ترور، بخصوص قذافی که سه نسل بلافصل این خانواده (پدر بزرگ قذافی تا فرزندان و خودش) قربانی تروریسم استعمار می شوند، غیرقابل توجه است. البته ترور قذافی اولین ترور رهبر یک مملکت نیست و احتمال نمی رود حتی در کوتاه مدت هم آخرین نخواهد باشد. قبل از وی نیز بسیاری از رهبران ملی، مترقی و یا حتی اندک مخالف سیاستهای دولتهای امپریالیستی- تروریستی، برغم تفاوتهای شخصیتی، جهان بینی و مواضع سیاسی خود، قربانی تروریسم دولتی امپریالیسم غرب شدند. از میان آنها می توان احمد سوکارنو، عمر توریخوس، سالوادور آلنده، پاتریس لومومبا، موريس بيشاب، آلدو مورو، ضياءالحق، دكتر نجيب، ميلوشوويچ، صدام حسين و پسرانش را نام برد.

با این وجود، گمان نمی کنم با توجه به اوضاع مالی- اقتصادی کنونی امپریالیسم در مقیاس جهانی، جشن و سرور گماشتگان نهادهای مالی تحت کنترل صهیونیسم بین المللی امپریالیسم، مثل اوپاما، کلینتون، سارکوزی، کامرون، مدوداوف، پرسلکونی، مرکل، اشتون، راسموسن و بسیاری دیگر بخاطر ترور معمر قذافی چندان بطول انجامد. چرا که مردم جهان به پا خاسته و عنقریب «گواهی فوت» نظام ضد انسانی موجود را امضاء خواهد کرد.

از این گذشته، خواهشمندم تصاویر مربوط به نوشتار فوق را در نشانی منبع، (تارنمای جنگ و صلح) ملاحظه نمایند و ببینید که چگونه فقط همین چند تصویر، صحت ارزیابی نویسنده از پروژه آپرسانی لیبی بعنوان «هشتمین معجزه جهان» را تأیید می کنند! معجزه ای که خلق لیبی در دوره ۴۲ ساله استقلال ملی، در صحاری خشک و بی آب و علف آفریدند. معجزه ای که نتیجه اجرای طرح عظیم آبیاری و رودخانه سازی رژیم قذافی بحساب منابع مالی داخلی بود، کمپانی تروریستی ناتو در زیر پرچم سازمان ملل متحد تاکنون بخش اعظم آنها را به همراه جان دهها هزار لیبیایی، آوارگی و بیکاری ۲ میلیون نفر و فراری دادن یک میلیون کارگر خارجی از لیبی ۶ میلیون نفری، نابوده ساخته و قرار است در اجرای قطعنامه شماره ۲۰۰۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز هر جا که احتمالاً اثری از این دستاوردهای معجزه آسا باقی مانده، بمباران نماید!

در همه حال، ما برای افشای جنایات امپریالیسم به واقعیات تکیه می کنیم. چرا که بدون خنثی کردن دسایس و دعلکاریهای امپریالیسم، هر گفت و سخنی از آزادی و استقلال و ترقی، یاوه ای بیش نخواهد بود و در همین حال، بگذار کارچاقکنها امپریالیسم هم تا دلشان می خواهد بر دهان جوجه دمکراتهایشان «دمکراسی» و «حقوق بشر» قی کنند.





